

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تیمور فومنگو
فرستنده: علی کاظمی
۳۰ اگست ۲۰۲۳

بسیج کشاورزی در چین یک اقدام پیشگیرانه



بسیج کشاورزی در چین یک اقدام پیشگیرانه در صورت وقوع جنگ است

چین به منظور تأمین منابع غذایی داخلی و کاهش وابستگی به واردات خارجی، زمین های کشاورزی خود را گسترش می دهد. همانطور که روزنامه چاینا دیلی توضیح داد، “متوسط بالای سنی جمعیت روستائی، تضمین امنیت غذایی را برای چین دشوارتر کرده است.” تعداد کشاورزان را کاهش داده و کشور را وادار به وابستگی بیشتر به محصولات وارداتی کرده است.

با توجه به این که چین با بیش از ۱.۴ میلیارد نفر دومین کشور بزرگ جهان از نظر جمعیت است (در اپریل ۲۰۲۳ هند از این نظر از چین پیشی گرفت) ناگفته نماند که نیازهای غذایی این کشور نجومی است. سال به سال در حال افزایش است زیرا جمعیت با توسعه اقتصادی بیشتر مواد غذایی بیشتری مصرف می کنند و واردات مواد غذایی بر این اساس افزایش می یابد.

اما فشار چین برای اتکاء به خود تأمین غذایی و رشد بیشتر کشاورزی، یک عنصر ژئوپلیتیکی اضافی را به پدیده می کشد. استفاده از کلمه “امنیت غذایی” در مقاله مرتبط با بالا نشان می دهد که بیجینگ به خوبی می داند که اتکای فزاینده اش به واردات مواد غذایی خارجی یک خطر ستراتیژیک حیاتی برای کشور ایجاد می کند که می توان از آن برای

وابستگی و شکست دادن این کشور استفاده کرد. باید از این فرض حرکت کرد که بیجینگ در حال آماده سازی برنامه های اضطراری برای جنگ احتمالی با ایالات متحده است و بنابراین باید وابستگی خود را به واردات مواد غذایی کاهش دهد که مهمتر هر چیزی قطع وابستگی خود به واردات غله از ایالات متحده است.

یک راه مؤثر برای شکست دادن یک ملت در جنگ، به شرطی که جغرافیا اجازه دهد، محاصره بحری بر کشور برای قطع ارتباط آن از مسیرهای مهم واردات و صادرات است. این کشور را مجبور به جنگ فرسایشی می کند، زیرا منابع آن کاهش می یابد و باید با زمان مسابقه دهد. امپراتوری بریتانیا دوبار موفق به انجام این کار در برابر المان شده است که به طرز ناخوشایندی در قلب اروپای مرکزی به دام افتاده است و لندن از قدرت برتر نیروی بحری سلطنتی برای محاصره بحری استفاده کرد. هم در جنگ جهانی اول و هم در جنگ جهانی دوم، مزیت جغرافیائی بریتانیا این امکان را فراهم کرد تا دسترسی تجاری المان به اقیانوس اطلس را از طریق بحیره شمال و تنگه جبل الطارق مسدود کند. المان با نداشتن منابع ضروری مانند نفت و غذای کافی، از نظر ستراتیژیک محاصره شده بود و قادر به پیروزی در یک جنگ طولانی نبود.

محاصره های بحری ویرانگر هستند و به همین دلیل است که ستراتیژی امریکا علیه چین با هدف تسلط کامل بر آبهای هم مرز چین با اتحادهای به هم پیوسته و حضور نظامی رو به رشد است. در صورت وقوع جنگ، ایالات متحده تلاش خواهد کرد تا چین را از نظر اقتصادی با یک محاصره بحری با هدف قطع واردات این کشور از واردات حیاتی خفه کند - و غذا نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود. وقتی مردم چین به شدت از گرسنگی می میرند، رژیم سقوط می کند و جنگ پیروز می شود.

یکی از راه های ستراتیژیک چین برای مقابله با این وضعیت، راه اندازی ابتکار یک کمربند و جاده (BRI) است که بر اساس آن، کریدورهای لجستیکی متعددی را در سراسر اوراسیا ایجاد می کند تا کشور را از نظر ستراتیژیک کمتر در برابر محاصره بحری آسیب پذیر کند. اما این کافی نیست. با توجه به حجم عظیم جمعیت چین و در نتیجه تقاضای غذا، بیجینگ کمترین فرصت را برای مصالحه در این زمینه دارد. اتکای آن به محصولات انبوه در ایالات متحده، مانند سویا، فشار زیادی بر آن وارد می کند. به همین دلیل، چین نه تنها ابتکار یک کمربند و جاده را تحت فشار قرار داده است، بلکه در همه جبهه ها از دکنترین خوداتکائی که شی جین پینگ آن را “گردش دوگانه” نامیده است، دفاع می کند. این نه تنها شامل مواردی مانند ساخت ریزتراشه ها، بلکه شامل محصولات کشاورزی و مواد غذایی نیز می شود. جهت گیری اقتصادی جدید چین واکنشی است به این واقعیت که دوران جهانی شدن در حال پایان است - حتی بدون آن که به جنگ فکر کنیم - و این که ایالات متحده سعی دارد آن را با خشونت ویران کند. هدف اصلی چین باید تکیه بر خود و بازارهای خود برای حفظ رشد اقتصادی باشد. به ویژه از آنجا که مواضع برخی از کشورها خصمانه شده است، موانعی را ایجاد کرده اند یا از جنبه های مختلف همکاری فقط برای اهداف ستراتیژیک خود استفاده می کنند. اگر به اهداف تجاری ایالات متحده در رابطه با چین نگاه کنید، هدف رهبری ایالات متحده این است که صنایع نیمه هادی و فناوری پیشرفته چین را فلج کند و سپس از بیجینگ بخواهد صدها میلیارد دانه سویا را برای تأمین کشاورزی امریکا خریداری کند. این دقیقاً همان چیزی است که ترمپ در سال ۲۰۱۹ در “توافق تجاری” خود با چین پیشنهاد کرد. تنها روابط تجاری قابل قبول برای واشنگتن روابط مبتنی بر استثمار است، اما در زمینه کشاورزی، تقاضا وجود دارد و ایالات متحده این را می داند.

بنابراین، طرح چین برای تقویت و گسترش کشاورزی خود، هم پویائی نظامی و هم یک پویائی ستراتیژیک دارد. اول، از تبدیل شدن کمبود مواد غذایی به یک بار در شرایط تحریم جلوگیری می کند. دوم، وابستگی به بازار ایالات متحده

برای واردات محصولات کشاورزی را به عنوان وسیله ای برای تأمین مالی تجارت کاهش می دهد. اما این بدان معنا نیست که همه چیز بدون خطر است. یک رئیس دولت سابق چین قبلاً با هدف افزایش گسترده تولید برنج به منظور تقویت خوداتکائی چین و پیشی گرفتن از قدرت های غربی، این کار را انجام داده است. این تلاش، که به عنوان “جهش بزرگ به جلو” شناخته می شود، با فاجعه پایان یافت – یکی از بزرگترین قحطی ها در تاریخ بشر که میلیون ها و میلیون ها کشته برجای گذاشت. آخرین فشار چین باید متفکرانه تر باشد و با پویائی بازار هدایت شود. بیجینگ به اهداف اقتصادی بیش از آنچه که دارد نیاز ندارد.